فهرست

[دلیل هفتم: آیه لفروجهم حافظون 2](#_Toc90900623)

[بحث اول: استفاده تحریم از آیه 3](#_Toc90900624)

[بحث دوم: شمول آیه نسبت به نظر شهوانی 5](#_Toc90900625)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# دلیل هفتم: آیه لفروجهم حافظون

دلیل ششم را فعلاً رها می‌کنیم به آیات برمی‌گردیم و بعد مجدداً به آنها خواهیم پرداخت. یکی از ادله‌ای که در بحث حرمت نظر به‌قصد التذاذ ممکن است مورد استشهاد قرار گیرد آیه مبارکه سوره مؤمنون یا معارج است. این آیه هم شبیه آیه یغضوا درباره روابط مربوط به زن و مرد از حیث مسائل شهوانی و جنسی است. آیه شریفه به این صورت است:

**﴿وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ‏، إِلاَّ عَلى‏ أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ‏ فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏[[1]](#footnote-1)

ممکن است گفته شود ابتغاء وراء ذلک هر اقدامی است که از سر شهوت انجام شود و مفاد آیه تحریم این التذاذ در غیر استثنای در آیه است. این اطلاق و شمول نظر با قصد التذاذ را شامل می‌شود. این تقریب اجمالی آیه است. برای روشن شدن ابعاد مسئله باید جهاتی از بحث را در دو آیه شریفه ملاحظه کرد.

در چینش ادله باید ابتدا آیه یغضوا بعد این آیه و بعد ارتکاز و بعد روایات مطرح شود. شاید تنظیم بهترش این باشد که ابتدا آیات بعد روایات و بعد ارتکاز و اجماع ذکر شود. درهرصورت آیات را باید مقدم آورد به خاطر جایگاهی که در میان ادله دارند.

سؤال: وجه استدلال چه بود؟

جواب: هر کس طلب کند وراء دو مسیری که در آیه و استثنا تعیین شده برود حرام است. این‌طور گفته شده است.

مقدمتاً این نکته را توجه کنید که این سه آیه عیناً در دو جا تکرار شده است. بدون هیچ کم‌وزیادی. یکی سوره مؤمنون آیه هفت و دیگری معارج آیه 31. این دو آیه عین هم‌اند. این سه آیه عیناً در سوره مؤمنون و معارج آمده. معمولاً به سوره مؤمنون ارجاع می‌دهند اما آنچه در معارج نیز آمده همین عبارات و تعابیر است بدون هیچ تفاوتی. هر دو آیه در مقام توصیف مؤمنان یا مصلین است. در سوره مؤمنون چند صفت برای مؤمنون ذکر شده که یکی از اوصاف مؤمنان این است:

**﴿وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ‏، إِلاَّ عَلى‏ أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ‏ فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏

در سوره معارج هم می‌گوید:

**﴿إِلاَّ الْمُصَلِّينَ‏ وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ‏، إِلاَّ عَلى‏ أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ‏ فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏[[2]](#footnote-2)

مقصود از مصلین همان مؤمنان‌اند که نمازگزارانی که به همه شرایط نماز پایبندند. دامنه نماز واقعی همه واجبات و محرمات را می‌گیرد لذا به‌جای مؤمنون مصلین آمده است. این جایگاه قرآن در قرآن کریم است.

## بحث اول: استفاده تحریم از آیه

آیا از این آیه حکم تحریم استفاده می‌شود یا نه؟ پاسخ این است که اگر در حد توصیفی که در ابتدای آیه آمده خیر. بارها گفته شده است توصیف مؤمنین به اوصافی نمی‌شود از آن استفاده حکم الزامی کرد. زیرا توصیف مؤمن به اوصاف اعم است از اوصافی که در آن الزام است یا نیست. لذا بارها گفته شده است در توصیف الزامی وجود دارد یا ندارد. اما در سوره معارج تعبیر دیگری آمده که از آن الزام و تحریم قابل‌استفاده است: **﴿فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏[[3]](#footnote-3)

اگر این تعلیل نبود می‌گفتیم مؤمنان را به حالی توصیف می‌کند و این توصیف اقتضای الزام ندارد و اعم از آن است. اما در ادامه می‌فرماید **﴿فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ﴾** یعنی اگر کسی از این حدومرزی که درآیات قبل آمده عبور کرد اینها ظالم و عادی‌اند. این با تنزیه و کراهت و امثال اینها سازگار نیست. ظهور در حرمت دارد. پس در هر دو آیه ذیلی را شاهدیم که ظهور صدر را تعیین می‌کند. صدر رجحان مطلق را افاده می‌کند نه استحباب یا کراهت و ذیل حکم تحریم را در اینجا بیان می‌کند. پس اینکه صدر فرمود مؤمنان حافظان خودشان هستند جز در دو مورد این حفاظت و صیانت الزامی است زیرا می‌گوید غیر ازآنچه گفتیم اگر کسی برود و از صیانتی که ذکر شد عبور کند عادی و ظالم است. ظهور ذیل صدر را هم تغییر می‌کند. صدر می‌گوید حافظ است و الزام در آن نیست اما ذیل می‌گوید اگر از این دایره کسی بیرون برود ظالم است. معلوم می‌شود اگر کسی از این دایره حرام است.

سؤال: نمی‌شود گفت نتیجه تابع اخس است

جواب: می‌گوییم اینها بر هم پیوند دارد. ذیل می‌گوید عبور از خط قرمز ظلم است صدر هم می‌گوید حافظ خویشتن است. یعنی از این مرز عبور نمی‌کند. پس حافظ بودن روی دیگر سکه ابتغی وراء ذلک است. به‌عبارت‌دیگر حافظ بودن یعنی این مرز را رعایت می‌کند. بعد می‌گوید اگر از مرز عبور می‌کند ظالم است. ازاین‌جهت است که ظهور ذیل در تحریم است و این ظهور بر صدر منعکس می‌شود و آنجا مبدل به وجوب می‌شود. **﴿وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ﴾** یعنی باید خود را حفاظت کنند زیرا گفته شده عبور از مرز صیانت ظلم است. منتهی اینکه این دو حکم کدام اصل و کدام فرع است جای تأمل دارد. واجب است صیانت خویشتن از غیر ازواج و ما ملکت ایمانهم و این وجوب اقتضای امر به شیء نهی از ضد می‌کند پس ابتغاء وراء ذلک طبعاً حرام است. احتمال دوم اینکه ابتغاء وراء ذلک حرام است. رفتن به سمت التذاذ و استمتاع در غیر این دو مدار حرام است پس صیانت آنها واجب است. این دو احتمال. احتمال سوم اینکه بگوییم اینجا دو حکم داریم. این بعید است. بگوییم هم حکم مستقل وجوب صیانت داریم و هم حرمت ابتغاء وراء ذلک. در مقام بحث فنی این سه احتمال جای بحث دارد اما به لحاظ عرفی اینها باهم تلازم دارد. می‌گوید اگر از این مرز بیرون بروی حرام است معلوم می‌شود این مرز را باید رعایت کرد. پس تلازم باهم دارند اما اینکه کدام اصل است و کدام فرع جای بحث دارد.

سؤال: روایتی ذیل آیه هست که در ذیل فی اموالهم حق معلوم در روایت گفته شده واجب نیست.

جواب:عرض کردیم از صرف توصیف وجوب درنمی‌آید اما اینکه گفته شده است **﴿فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏ از این نکته حرمت استفاده می‌شود.

بنابراین علی‌رغم اینکه توصیف را ما دال بر الزام نمی‌دانیم در اینجا ذیلی دارد که ظهور را تبدیل به ظهور الزامی می‌کند. یعنی حفاظت لازم و عبور حرام. این روشن است. تکمیل مسئله هم این است که در اینجا عادون می‌گوید. عادون از عدی به معنای عبور می‌آید و در قرآن به معنای ظلم می‌آید. **﴿مَنْ يَتَعَدَّ حدودالله فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُون﴾**‏[[4]](#footnote-4)

عادون و ظالمون در عبور از مرزهای الهی آمده. می‌گوید ظلم است و ظلم در قرآن ظهور در حرمت دارد. ظلم یعنی زیر پا گذاشتن حکم الزامی خداوند. با این تعبیر خیلی قریب به ذهن است که بگوییم این از کبائر است.

سؤال: خود تعدی عن حدودالله ظهور در حرمت دارد بدون اینکه عنوان ظلم را مطرح کنیم

جواب: می‌گوید حتی من ابتغی وراء ذلک را نبود همین را می‌گفتیم؟

سؤال: خود عادون یعنی تعدی عن حدودالله است و نیازی نیست به ظلم برگردد.

جواب: بله. تعدی حدودالله ظلم است. در قرآن صغرا و کبرا می‌گوید **﴿فَمَنِ ابْتَغى‏ وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ﴾**‏ **﴿مَنْ يَتَعَدَّ حدودالله فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُون﴾**

اینها نکاتی است که در بحث اول ذکر شد. در این بحث چند مطلب را به‌هم‌پیوسته عرض کردیم:

1. توصیف بماهو هو مفید الزام نیست.
2. در اینجا به خاطر ذیل توصیف تبدیل به الزام می‌شود. ذیل ظهور در الزام و تحریم دارد. با همین بیانی که عادون عرض شد.
3. ذیل ظهور صدر را هم تغییر می‌دهد زیرا ذیل و تعدی دو روی یک سکه‌اند. امر به شیء مقتضی نهی از ضد است.
4. در اینکه این دو حکم ایجابی و سلبی هر دو اصالت دارند یا یکی اصل است و دیگری فرع اشاره شد. بی ثمره نیست. تعارضات و مرجحات ثمره دارد. البته تردیدی نیست که اقداماتی مثل زنا و لواط حتماً حرا ماست نه اینکه صیانت واجب است و آن دیگران حرمت تبعی پیداکرده‌اند. البته شاید نگوییم حفظ وجوب دارد این را شاید نگوییم بلکه حفظ یعنی آن حرام‌ها را انجام ندهد.

با قطع‌نظر از این ذیل ممکن است کسی ادعا کند حتی اگر ذیل هم نبود و فقط می‌گفت و**﴿َ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ‏، إِلاَّ عَلى‏ أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ﴾** حتی اگر فمن ابتغی نبود ممکن است کسی بگوید ظهور یا اشعار نسبتاً قوی در حرمت اینجا هست. زیرا این شکل مستثنی منه و استثنا مناسبات حکم و موضوعی درست می‌کند که الزام را افاده کند. اینکه می‌گوید حافظ خود هستند مگر اینجا. اینکه بگوید خوب است خودشان را حفظ کنند مگر اینجا خیلی جور درنمی‌آید. این اشعار در الزام دارد. یک اشعار قوی دارد. نه اینکه نشود در رجحان هم معنا کرد. پس صدر هم از آن اشعار قوی بر حرمت قابل‌استفاده است. خصوصاً با توجه به واژه ملومین. در آیه سوره معارج هم قبل از الا المصلین اگر تحریمی در کار نباشد شاید بتوان این حکم را آنجا هم مطرح کرد. اگر قبل الا المصلین تحریمی در کار باشد و بگوید این کار حرام است مثلاً الا المصلین. نیاز به‌دقت دارد.

## بحث دوم: شمول آیه نسبت به نظر شهوانی

این از مباحث اساسی است که ان‌شاء‌الله فردا بررسی می‌کنیم اینکه این آیه ناظر به استمتاعات جنسی در حد اعلی یعنی وقاع و ارتباطات جنسی خاص است یا اینکه نظر و امثال اینها را هم می‌گیرد؟ این سؤال بسیار کلیدی در آیه است. اینکه آیه فقط استمتاعات حد اعلی را هدف‌گیری می‌کند و آنها را بیان حکم می‌کند یا اینکه اعم است و شامل مطلق استمتاعات و التذاذات شهوانی مادون حد اعلی هم می‌شود؟ این سؤال جدی در آیه است. اگر کسی احتمال اول را بگوید آیه با بحث ما ربطی ندارد. آیه می‌گوید استمتاعات حد اعلی فقط حرام است. در این چهارچوب جایز است و در غیر آن حرام است. اما اگر بگوییم نه آیه منحصر نیست و نگاهش مختص به دایره وقاع و استمتاعات حد اعلی نیست بلکه طیف استمتاعات را می‌گیرد من ابتغی وراء ذلک همه آنها را در برمی‌گیرد. طبعاً دو احتمال هم هست اختصاص یا شمول. در مقام بررسی باید از دو منظر جلو برویم. یکی اینکه ما باشیم و آیه چه حکمی استفاده می‌کنیم و دیگری اینکه با توجه به روایت ذیل چه بررسی می‌کنیم. روایت در تفسیر قمی است:

فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ‏ «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ‏ مِنَ‏ الزِّنَا- إِلَّا هَذِهِ‏ الْآيَةَ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ فَلَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ- وَ لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا»[[5]](#footnote-5)

1. . سوره مؤمنون، آیه 5 تا 7. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره معارج، آیه 22 تا 31. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مؤمنون، آیه 7. [↑](#footnote-ref-3)
4. بقره آیه 229 [↑](#footnote-ref-4)
5. [تفسير القمي‏، القمي، علي بن ابراهيم، ج2، ص101.](http://lib.eshia.ir/12015/2/101/أُخْتِهَا) [↑](#footnote-ref-5)